



صفحه ۲

چندپارگی نظام آموزش و پرورش

یکی از معایب ساختاری آموزش‌وپرورش در ایران بی‌توجهی به آموزش به زبان مادری است و سال‌هاست که کودکان غیر فارس از این حق طبیعی محروم شده‌اند! ... سال‌هاست درسی به نام محیط‌زیست در سیستم آموزشی جایی ندارد و این نشان از بی‌اهمیتی این موضوع خیلی مهم نزد سیاست‌گذاران آموزش‌وپرورش دارد.



کوردی - فارسی

مانگانه‌ی فرهنگتی - گونه‌لاپه‌تی

▪ **چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۶** ▪ **۱۵‌خه‌رمانانی ۲۷۱۷‌کوردی** ▪ **۶ سپتامبر ۲۰۱۷** ▪ **سال دوم** ▪ **شماره ۲۳** ▪ **۸ صفحه** ▪ **قیمت ۱۰۰۰ تومان**

مندالآن و کرانه‌وه‌ی خویندنگه‌کان

مندالآن ٚه بیت فئیری بیوه‌ندیی کومه لآپه‌تی له‌گه‌ل مندالی دیکه بیی و بتوانی به‌بی بوونی دایک ویاوک‌به‌ناسانی حوٰی له‌گه‌ل خویندنگادا بگوئجئین.

لاپه‌ری ۷

نظام آموزشی و آسیب‌شناسی عدم تحصیل به زبان مادری

حدود ۲۵ میلیون نفر از جمعیت کشور غیرفارسی‌زبان هستند که ۳۳ درصد از جمعیت کشور را شامل می‌شود. اگر این تعداد قابل توجه به زبان خود آموزش نیینند، پدیده‌ای به نام غربت زبانی، شروع به خودنمایی می‌کند. غربت زبانی یعنی زندگی در بزخی رنج‌آور. غربت زبانی یعنی دواقتادگی از زبان مادری و آسوده نبودن با زبان دوم.

صفحه ۵

کوردستان و ۱۹-۲

آمار و اطلاعات نشانگر پتانسیل بسیار بالای کوردستان در منابع آب‌و‌خاک می‌باشد. رتبه دوم در سطح اراضی و رتبه نوزدهم در تولید محصولات کشاورزی در استانی که منابع آبی ۶٫۳ میلیارد مترمکعبی و ۲۰ سد مخزنی دارد.

صفحه ۳



سیاست زبانی و سیستم دوزبانگی در کانادا

نگاه سلطه‌جویانه زبانی و فرهنگی نسبت به زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر نگاهی ویرانگر در طی یک سده گذشته به زبان و فرهنگ این سرزمین طلسم شده است که متأسفانه هنوز که هنوز است بسیاری از مسئولان و دانش‌آموختگان بر این باورهای برتری‌بانه پای می‌کوبند.

صفحه ۵



گیمسال هه‌م نه‌بایه‌دی زه‌بانگی کوردی ده‌رسی بیخانیم!

■ عکس: ساسان مؤیدی

امروز سیاست‌های زبانی در ایران با چالش‌های جدی روبه‌رویند و تجربه‌ای شکست‌خورده و به بن‌بست رسیده هستند. . عدم حضور زبان‌های مادری در نظام آموزشی آسیب‌های جبران‌ناپذیر به دنبال داشته و فرایند آموزش را فاجح کرده است. دکتر محمد صدیق زاهدی متخصص زبان‌شناسی در تحقیقات علمی خود ثابت کرده است که آموزش اجباری به زبان غیر مادری به کابوسی وحشتناک برای دانش‌آموزان تبدیل گشته و یکی از فاکتورهای مهم و تأثیرگذار در شکست تحصیلی محسوب می‌گردد. همچنین به قول «بورديو»، عدم تحصیل به زبان مادری خشونت‌ی نمادین علیه دانش‌آموز است. چراکه به دانش‌آموز درد و رنجی گزاف وارد می‌آورد.

آنچه مسلم است، تلاش برای تحمیل زبانی و تضييع حقوق زبانی - فرهنگی در ایران و ادامه سیاست‌های سرکوب‌سازی و یکسان‌سازی بیشتر به واگرایی، جدایی‌طلبی، و استقلال‌خواهی می‌انجامد. اما اگر همسان‌سازی کنار گذاشته شود، بی‌شک از تمایلات جدایی‌خواهی کاسته می‌شود و همگرایی فزونی می‌گیرد. تنها لغو آموزش تک‌زبانی در نظام آموزشی می‌تواند نقطه پایانی بر رنج دائمی انسان محروم از آموزش به زبان مادری باشد.

سخن چیا

استمرار آغازهای بی‌پایان

راهش را آغاز کرده بود و آنچه پایانی ندارد خیر تصادفاتی است که شاید بر تن عزیزی نقطه پایان این دنیا باشد، اما برای ما از دور ایستادگان تکراری است که تمامی ندارد. بر تکه‌های ماشین ایستاده بودم که کسی می‌گفت تقصیر خودشان است از بیس‌که با سرعت می‌رانند. جمعی با سرو اندکی با حرف تأییدش می‌کردند و بسیاری سکوت کرده بودند. شاید بی‌ادبی بود که بر تکه‌های آهنی ایستاده باشی و بوی خون و مرگ از درون آزارت دهد و بخواهی حرف بزنی. حرف‌هایی که گوش شنوایی ندارند. صدایش را بلندتر می‌کرد که دست متخلف به خون مایقی بی‌گناهان لوده است و پلیس هم همین نظر را خواهد داد. همان روز لیست ماشین‌هایی را با چندین ایریگ دیده بودم که می‌بایست قیمتشان حدود پرباید و بزوی خودمان باشد و دست ما به آن‌ها نمی‌رسد. جاده‌هایی را دیده بودم که با چه دقتی برای جلوگیری از حوادث برپهنه طبیعت نقش بسته بودند و رانندگان را به‌سوی سلامتی سوق می‌دادند. به آرامشی اندیشیده بودم که نمی‌گذاشت کوره‌ای بماند تا از آن در روی. خطوط سفید منظم احاطه‌شده در انواع راهنماهای جاده‌ای را دیده بودم که آدم کیف می‌کرد بین آن‌ها براند و به اطراف حادثه نگاه کردم. واقعاً دست چه کسانی در خون هزاران قربانی تصادفات جاده‌ای آغشته است.

آنان که نمی‌گذارند ماشین باکیفیت به ما برسد چند نفر را کشته‌اند؟ آنان که برای جاده‌ها از تعریض و حفاظت باید هزینه کنند و نکرده‌اند چند نفر را کشته‌اند؟ ما که جامعه را به خشونت و تخلف سوق می‌دهیم چند نفر را کشته‌ایم و واقعاً چند نفر خود

و با دست خود مرده‌اند؟ ناگهان هزاران قاتلی که در بستوی سرعت نپهان‌اند به ذهنم خطور کرد. هزاران قاتلی که هر یک به نحوی با جان مردم بازی می‌کنند و بسیاری از مسیبانی که هیچ‌گاه نه خود و نه نزدیکانشان بر این ماشین‌های خودمانی سوار نمی‌شوند. یاد آسانی افتادم از خشونت‌ها و تصادفات شهری که استان ما واقعاً بسیار دورتر از اولین‌ها بود و پا خود فکر می‌کردم که آیا واقعاً در کشتگان نیز این چنینیم. از آن روز دیگر جاده‌ها را مثل مسلسلی می‌بینم که کور گلوله می‌یارد و ما شانس آوردگانیم. از آن روز دیگر هرکسی را شایسته تشکر نمی‌بینم که مبادا قاتلی پنهان باشد!

این داستان استمرار آغازهای بی‌پایان ماست. آغازی مثل مهر. ماه شادی‌های راه مدرسه. امسال نیز آغاز شد بی‌آنکه به زبان مادریم درسی خوانده شود. این مهرهای نامهربان تمامی ندارند. این شوق‌های راه مدرسه به شادی ختم نمی‌شوند. کلاس‌های بی‌روح و بی‌ذوق و سرانه فضای آموزشی ناچیز و حقوق بخور شاید نمردی معلمان و شعار رایگانی تحصیل و … از این تکرار بی‌پایان، از این مهرهای دلگیر و از پاییز هزار رنگی که یک‌بار هم که شده به رنگ ما درنیامده حالم به هم می‌خورد. آموزش‌وپرورش که باید زنده‌ترین بخش جامعه باشد با محدودیت‌های عجیب معلمان بی‌چراغ شده است. دلم برای معلمی که به لهجه‌اش افتخار می‌کردم می‌سوزد. معلمی که تدریس به زبان مادری که هیچ، تدریس با لهجه! مادریش را هم از او در ازای چندرغاز حق‌السکوت می‌ستانند. دلم برای دانش‌آموزانی که نمی‌دانند که چه می‌خواهند شوند نیز می‌سوزد.

این سرآغاز تکرار همه مصیبت‌هاست. مدرسه برای پایان رنج چه چیزی را با خود به ارمغان خواهد داشت جز تکرار روزانه زندگی‌ای که باید به هر سو به مرگ نزدیکش کنی؟ کارنامه ما در آموزش‌وپرورش چه برای معلمان و چه دانش‌آموزان بردست چپ واقع‌شده. تجدید شده‌ایم. تجدیدی از رنگ تجدیدی‌های قدیم، نه ماست مالی‌های کنونی که باید از نو و از نقطه صفر شروع کنیم.

چیا؛ سرآغازی برای مسئولیت‌پذیری



■ دکترافراسیاب جمالی شاید برای خیلی از ما پیش‌آمده باشد که هرگاه نام شهروند را می‌شنویم ناخودآگاه یاد خانواده‌هایی می‌افتیم ساکن شهر با تیپ طبقاتی متوسط به بالای جامعه ساکن در یک خانه مجلل ویلایی و یا آپارتمان که دارای ظاهری آراسته هستند و معمولاً چند خودرو پارک شده جلوی منزل و پارکینگ و یا حیات خانه دارند و فرزندانی که گاهی با کتابی زیر بغل و در مکان‌های خاص و مدارس غیرانتفاعی و مؤسسات رفت‌وآمد دارند و همیشه آخر هفته را در بیرون شهر و یا پارکی بساط کباب راه می‌اندازند در رفتارهایشان هم همیشه منتقد و معترض هستند.

خرابه‌ای بنام شهر و ابهامی بنام شهروندی

خصوصیاتی که یادآوری کردم کم یا زیاد در ذهن خیلی از ما همواره متصور شده است ولی هیچ‌گاه از خود نپرسیده‌ایم آیا شهروند به معنی ساکن در شهر است؟ یا به معنی کسی که اطلاعات جدولی و عمومی زیادی دارد و در مورد همه چیز تخصص دارد حتی در مورد اتفاقات امریکای لاتین و یا وضعیت زیست در کرات دیگر و یا نهایتاً جرئت و جسارت زیاد دارد و همیشه به شهردار و مسئولین ناسزا می‌گوید.

بدون شک اگر جستجوی ساده‌ای در

کتاب‌ها و شبکه‌های مجازی داشته باشیم تعاریف مفصلی از این مسئله را خواهیم دید و اما کمتر خواهیم خواند

و همین‌اواخر دولت یازدهم منشور حقوق شهروندی منتشر شد با کلی حواشی اما گمان نکنم افراد زیادی آن را با دقت خوانده باشند و باز هم ما بی‌مانیم خرابه‌ای بنام شهر و ابهامی بنام شهروندی.

به نظر می‌رسد برای شروع یک

برنامه و یا کار فرهنگی در جامعه‌ای

با آمار نگران‌کننده و پایین باسواد و تحصیل کرده اتکا به کاغذ و بروشور و همایش و سمینار و جلسات انجمن‌های فرهنگی مؤثر نخواهد بود و بیشتر از هر چیز عمل می‌خواهد که همانا گفته‌اند هزاران گفته چون نیم کردار نیست.

جوانانی در این نقطه از کشور بجای قلیان کشیدن و تپله بازی و خریدن تفنگ بادی و شکار گنجشک، مدافع محیط‌زیست شدند

قبل از شروع به کار انجمن سبز چیا در مریوان پیش‌تر انجمن فرهنگی - ادبی و تلاش‌های فراوانی برای شروعی نو جهت بهبود شاخصه‌های توسعه فرهنگی انجام‌گرفته بود اما به باور من تولد انجمن سبز چیا در مریوان یک انقلابی فرهنگی در مقیاسی کوچک اما ارزشمند بود برای اولین بار شهری کوچک در مواجهه با چالش‌هایی قرار گرفت که هم‌سطح کشور و حتی بالاتر بود.

شروعی خوب برای برانگیختن مسئولیت‌پذیری و تقویت حس تعهد در برابر خود، دیگران و زیست جهانی بود که تا پیش از آن به‌مثابه ابزاری برای تأمین نیازهای نامحدود مردم متصور می‌شد و رفتار مردم در برابر طبیعت بیشتر از روی ناآگاهی و تحریب بود و یادآوری سال‌های دهه هفتاد و میزان خسارتی که بر حیوانات و گیاهان دارویی و خوراکی آمده است ما را به این بعد مهم از حرکتی چنین ارزشمند و تأثیرگذار آگاه می‌سازد و در کمترین زمان جوانانی در این نقطه از کشور بجای قلیان کشیدن و تپله‌بازی و خریدن تفنگ بادی و شکار گنجشک، مدافع محیط‌زیست شدند، دست به آموزش خود و خانواده و اطرافیانشان زدند از حقوق حیوانات و جانوران در روی زمین سخن گفتند از حیوان آزاری ابراز‌انرجار کردند، تفنگ‌های شکار شکستند، با شکارچیان به گفتگو نشستند، قفس‌ها را شکستند و پرندگان دربند را آزاد کردند، کوله‌پشتی بردوش و با وسایل و تجهیزات شخصی و انجمن، سوار وانت از ایلام تا ارومیه هر جا آتشی فروخته شد بر روی آن آب سرد ریختند با خود سرود سرسبزی و آبدانی به هدیه بردند، به حیوانات زخمی کمک

کردند، نهال کاشتند از حقوق دریاچه رود و کوهستان و بلوط دفاع کردند برای سوختن زاگروس مرثیه سرودند. گفتن و نوشتن از این حادثه‌های زیبا و اتفاقات خوب به این سادگی نیست صدها و هزاران جوان قهرمان و گمنام بی‌ادعا در این راه مشغول‌اند، بدون مزد و بدون ریا و بدون جاه‌طلبی و بدون حضور دوربین‌ها و خبرنگاری‌ها و تیتروهای زرد، آن‌ها برای صلح و برای آرامش و برای مهربانی و برای ازخودگذشتگی هزینه کرده‌اند، حس شهروند بودن این بار به مفهومی متعالی نشان و در حال نهادینه شدن است.

امروز همه می‌دانند و پذیرفته‌اند که شهر ما خانه ما؛ به‌تنهایی کافی نیست، امروز به لطف فرهنگ زیست‌محیطی انجمن سبز چیا خیلی‌ها در همین شهر نگران دریاچه زریبار، ارومیه و آینده آب در خاورمیانه هستند، از ساخته‌شدن بی‌رویه سدها واهمه دارند، آن‌ها آسیب‌های واقعی آینده جهان را می‌دانند، شهروندانی که منطقه‌ای عمل می‌کنند اما به‌طورقطع جهانی می‌اندیشند و دغدغه‌های آن‌ها بسیار بزرگ‌اند اما گام اول به فکر تغییر رفتارهای نادرست مردم و دولتمردان هستند. آن‌ها دغدغه نابودی درختانی دارند که ریه و اکسیژن جهان را تأمین می‌کنند، آینده و حقوق نسل‌های بعدی از این کره خاکی برایشان حائز اهمیت است. چنین تغییرات وسیعی رازمانی باید متوجه شد که از بیرون به شهری کوچک همچون مریوان نگاه کرد و همه این اتفاقات را یکجا دید به‌راستی کاری بزرگ و قابل تحسین است، هرچند چنین تحسینی موجب غفلت از نقص و نقدها نخواهد شود و منصفانه باید به‌دوراز شیفتگی باید وضعیت را بررسی کرد.

چنین تغییرات وسیعی رازمانی باید متوجه شد که از بیرون به شهری کوچک همچون مریوان نگاه کرد و همه این اتفاقات را یکجا دید به‌راستی کاری بزرگ و قابل تحسین است، هرچند چنین تحسینی موجب غفلت از نقص و نقدها نخواهد شود و منصفانه باید به‌دوراز شیفتگی باید وضعیت را بررسی کرد.

ادامه در صفحه ۲

اجرای نمایش «ولیه سووره» در مریوان

نمایش «ولیه سووره» اثری از گروه تئاتر «ری را» به نویسندگی چیستا یثریبی، ترجمه رُوف محمودپور و کارگردانی کریم خاوری از ۲۹ مرداد الی ۶ شهریورماه در فرهنگسرای مریوان اجرا شد.

گوران جهانی، خبات فتحی، هستی رجبی بازیگران این نمایش بودند.

دیگر عوامل نمایش: قدریه بابایی (دراماتسورژ)، بابک محمدی (مدیر صحنه)، محمد دارپرینان (دستیارکارگردان)، کریم خاوری و نامق خدایار (طراح صحنه)، نظیره راستخانه (طراح لباس)، فرزانه ایزدی و چیمن محمودی (موسیقی)، هلاله قادری (طراح پوستر و بروشور)، محمد بابایی (منشی صحنه)، محمد علیزاده (طراح نور)، نامق خدایار (عکاس)، محمدجارجرمند (تسلیغات مجازی)، فرید نیکخواه (تصویر بردار) و محمد بهرامی (روابط عمومی).

لازم به ذکر است این نمایش با حمایت و همکاری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مریوان، زیانکده ملی ایران، انجمن هنرهای نمایشی استان کردستان، انجمن نمایش مریوان، شهرداری و شورای مریوان اجرا شد.

رقابت‌های جایزه بزرگ دوچرخه سواری کشور در مریوان

رقابت‌های جایزه بزرگ دوچرخه سواری جوانان و بزرگسالان کشور با حضور دوچرخه سوارانی از استان‌های سراسر کشور به میزبانی مریوان در روز جمعه ۱۰ شهریور ماه برگزار شد و در پایان از سوی اداره کل ورزش و جوانان استان کردستان جوایز نقدی به عناوین اول تا ششم اهدا شد.

کشته شدن دو کولبر در منطقه ههنگه‌ژال بانه

شب ۱۳شهریور ماه ۹۶ در منطقه مرزی ههنگه‌ژال بانه دو کولبر کورد بر اثر تراندازی توسط هنگ مرزی جان باختند که یکی از کشته‌شدگان، دهیار شهرستان بانه بوده است.

هویت این دو کولبر، قادر بهرامی ۵۵ساله اهل روستای وزمه‌له و حیدر فرجی ۲۱ساله اهل روستای شه‌شه اعلام شده است.

متعاقب اعزام اجساد این دو کولبر به بیمارستان بانه، خانواده‌های این دو کولبر به همراه جمعی از مردم محلی مقابل فرمانداری بانه تجمع کردند.

ادامه از صفحه ۱

غلتیدن در تعصب و جزم‌اندیشی و خودبرتریبتی، می‌تواند آسیب‌های جدی برای انجمن سبز چیا باشد
انجمن سبز چیا همچون یک سازمان مردم‌نهاد با حضور جوانانی دلسوز و مشتاق شروع به کار نموده است و گاهی مواقع شاید این میزان از تأثیرگذاری و احساس قدرت آن‌ها را به مسیرهایی کشانده باشد که نقد بر آن‌ها وارد باشد و قطعاً بررسی این نقاط ضعف و آسیب‌ها موجب رشد و توسعه بیشتر خواهد شد و مجالی دیگر را می‌طلبد اما همین نکته داشتن جایگاهی ارزشمند در میان مردم ممکن است موجب غلتیدن در تعصب و جزم‌اندیشی و خودبرتریبتی، وارد شدن به حوزه‌های غیرتخصصی و غیر مرتبط و علی‌الخصوص سیاسی و … می‌تواند آسیب‌های جدی برای چنین انجمنی در آینده باشد.

ادامه راه در هر شرایطی و گاه چشم بستن بر واقعیت‌ها و مسائل جانبی و امورات جامعه ممکن است موجب سوو فهم‌ها و تعارضاتی گردد که هدف اصلی و متعالی را در مظان فراموشی و یا نادیده انگاری قرار دهد و همین‌طور بسیاری از آسیب‌های دیگر که ممکن است سد راه توسعه و ترقی هر انجمن، سازمان و نهادی باشد و بدون شک مسائل فراوانی هستند که باید در آینده در نظر گرفته شوند.

اما به‌طورقطع و یقین انجمن سبز چیا درراه هدف و برنامه‌هایش موفق عمل

چیا؛ سر‌آغازی برای مسئولیت‌پذیری



نموده است و میزان آگاهی شهروندان در مورد امورات زیست‌محیطی رشد خوبی داشته است احساس مسئولیت در قبال تمیز نگه‌داشتن زمین و حفاظت از درختان و گیاهان و جانوران رشد بسیار خوبی داشته است و این امر را باید در برنامه‌ریزی و تداوم در آموزش و عمل موفقیت‌آمیز چیا دانست، حضور ده‌ها‌گونه پرنده در زیربهار به شکل بومی و مهاجر، صحنه غذا دادن مردم به حیوانات در فصول سرد سال را باید از اثرات این فرهنگ پذیری دانست.

اگر انجمن و نهادهایی که در این شهر فعالیت می‌کند، اندازه چیا موفق عمل می‌کرد خیلی حسرت‌ها جایش را به امیدواری سپرده بود

یک ماه پیش زمانی که ناظران

بین‌المللی برای تأیید و تصدیق ثبت مریوان به‌عنوان شهر جهانی کلاش به این شهر سفر کردند در مراسم استقبال آن‌ها زمانی که تعداد کمی از مردم را برای پشتیبانی از این رویداد مهم آمده بودند را مشاهده کردم به‌راستی حسرت خوردم و جایگاه و تأثیرگذاری انجمن‌های مشابه را در این عرصه بسیار خالی دیدم به‌راستی اگر هر فردی که دلش برای این شهر می‌تپد و هر انجمن و نهاد و گروهی که در این شهر و برای این شهر فعالیت می‌کند، اگر اندازه چیا در حوزه مسئولیت خود موفق عمل می‌کرد خیلی از این حسرت‌ها اینک جایش را به امیدواری سپرده بود فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی، فرهنگ شهرنشینی، فرهنگ ترافیک



کسب روزی یا ایجاد مزاحمت



محل عرصه اجناس ۴-تخلیه نخاله‌های ساختمانی و ریختن مصالح ساختمانی

۵- توقف خودرو در مکان‌های غیرمجاز، ۶- حضور وسایل نقلیه برای فروش کالا در معابر و اشغال پیاده‌روها و میدان‌ها ۷- تکندی گری ۶- و مهم‌تر از همه اشغال معابر از سوی صاحبان مغازه که در بیشتر شهرها به‌صورت یک فرهنگ درآمده است.

معبر در لغت به معنی محل عبور است و اصطلاحاً به محلی اطلاق می‌شود که

و صدها هنجار و رفتاری که متأسفانه هنوز در این شهر نهادینه نشده‌اند، ترافیک و فرهنگ رانندگی در وضع مطلوبی نیست، تخریب و تملک فضاهای عمومی هنوز رواج دارد، درگیری‌های خیابانی و خشونت هنوز کم است، فحاشی و بددهانی هنوز پرچانگی می‌کند، حقوق زنان نادیده گرفته می‌شود، حریم خصوصی و عمومی تعریف نشده و نامشخص است، اعتیاد در حال رشد است و همه آنچه امروز شاهد آن هستیم و نهادها و سازمان‌های دولتی مرتبط با آن دست به گریبان‌اند و انجمن‌های مردمی هم در ابتدای راه؛ اما به باور من میزان تأثیرگذاری که انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند داشته باشند بسیار گسترده‌تر خواهد بود و انجمن چیا می‌تواند به‌عنوان الگویی موفق در این زمینه نقشه راه و مشاور در روش‌ها و راهکارهای مدیریتی در این زمینه باشد.

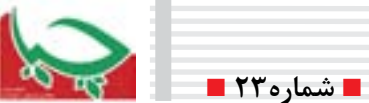
شورا‌های شهر هم اگر بخواهند در زمینه کاری خود موفق عمل نمایند در وهله اول باید قدرت و تأثیرگذاری این انجمن‌ها را به رسمیت بشناسند و در وهله دوم آن‌ها را طرف مشورت خود قرار دهند و همچنین بر چیا و کلیه انجمن‌ها هم لازم است همچون بخشی از جامعه و افکار عمومی نظارت و نقد منصفانه و دلسوزانه خود را بی‌پروا و صریح در مورد فعالیت بخش‌های مختلف شهر و بخصوص شورا‌ها ابراز نمایند.

استفاده عموم آماده نگه‌داشته و از تجاوز به میدان‌ها، پارک‌ها و باغ‌های عمومی که حق طبیعی هر شهروندی می‌باشد جلوگیری نماید.

اشغال پیاده‌روها و استفاده غیرمجاز از آن‌ها، ممنوع است
معطل سد معبر یکی از هزاران معضلی است که در شهرها، گریبان مردم را گرفته و خواسته یا ناخواسته به فرزند ناخلف بازار و بازاری تبدیل شده است؛ اما متأسفانه برای حل این معضل اراده‌ای معطوف به تغییر وجود ندارد. چون هرساله همایش‌ها و کنفرانس‌هایی در این زمینه برگزار خواهد شد اما این ناهنجاری اجتماعی همچنان وجود دارد.

دلیل این ناهنجاری اجتماعی چیست؟
آیا در این زمینه مواد قانونی خاصی وجود ندارد؟
آیا مواد قانونی وجود دارد ولی اجرا نمی‌شود؟
آیا شهروندان به خود و قانون احترام نمی‌گذارند؟

ادامه در صفحه ۶



■ چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۶ ■ سال دوم ■ شماره ۲۳ ■

برگزاری بیست و هشتمین جشنواره تئاتر استان کردستان

بیست و هشتمین جشنواره تئاتر استان کردستان از ۲ تا ۴ شهریورماه در سنندج برگزار گردید.

آیین اختتامیه بیست و هشتمین جشنواره تئاتر استان کردستان روز شنبه ۴ شهریورماه در مجتمع فرهنگی هنری فجر سنندج برگزار شد.

در بخش اول مراسم از «علیرضا حنیفی» و «توفیق ملکی»، دو تن از پیشکسوتان تئاتر استان کردستان با اهدای لوح سپاس و هدیه تجلیل به عمل آمد.

هیات داوران جشنواره متشکل از دکتر قطب الدین صادقی، کورش احمدی و صابر دل‌بینا، آرای خود را به شرح ذیل اعلام نمودند:

کارگردانی
رتبه اول افشین خدزی کارگردان نمایش «کردها توریست نیستند» از سنندج

رتبه دوم فرشید کرمی کارگردان نمایش «وخداوند درون یک مرد دو قلب قرار نداد» از سنندج

رتبه سوم عید رستمی کارگردان نمایش «در حصار باد» از سنندج

بازیگری زن
رتبه اول هانا مرادی بازیگر نمایش «و خداوند درون یک مرد دو قلب قرار نداد» رتبه دوم شایسته فرمانی فرد بازیگر نمایش «دهانی پراز پرنده» از بیجار

رتبه سوم رضوان خداسی بازیگر نمایش «و خداوند درون یک مرد دو قلب قرار نداد» از سنندج

تقدیر گروهی از بازیگران زن نمایش «کردها توریست نیستند» از سنندج

رتبه اول فردین قادری بازیگر نمایش «در حصار باد» از سنندج

رتبه دوم محمدنقی حیدری بازیگر نمایش «تراس» از قروه

رتبه سوم نیما ایمان‌زاده بازیگر نمایش «در حصار باد» از سنندج

تقدیر از تین امجدی بازیگر نوجوان نمایش «کردها توریست نیستند» از سنندج

تقدیر گروهی از بازیگران مرد نمایش «کردها توریست نیستند» از سنندج

نمایشنامه نویسی

رتبه اول فارس باقری نویسنده نمایشنامه «دهانی پراز پرنده» از بیجار

رتبه دوم عید رستمی نویسنده نمایشنامه «در حصار باد» از سنندج

رتبه سوم اکبر صادقی نویسنده نمایشنامه «وخداوند درون یک مرد دو قلب قرار نداد» از سنندج

رتبه دوم فرشید کرمی کارگردان نمایش «وخداوند درون یک مرد دو قلب قرار نداد» از سنندج

رتبه سوم مکتب‌داری برای نمایش «در حصار باد» از سنندج

طراحی لباس

بهار لطافتیان برای نمایش «در حصار باد» از سنندج

موسیقی

مسلم زارعی برای نمایش «کردها توریست نیستند» از سنندج

نمایش‌های برگزیده جهت معرفی به دبیرخانه سی و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

نمایش «کردها توریست نیستند» از سنندج

نمایش «در حصار باد» از سنندج

محرومیت از تحصیل به زبان مادری، مصداق بارز کودک‌آزاری است.
رنجی که کودک هنگام ورود به مدرسه با آموزش به زبان دیگر متحمل می‌شود و موجبات استرس، نگرانی، احساس ناتوانی و گاه‌ها تحقیر توسط معلمان را فراهم می‌آورد. این یعنی شکنجه روحی، تحقیر و تبعیض به‌صورت سیستماتیک و آگاهانه کودکان بی‌دفاع. در چنین حالتی چه کسی مسئول است که فضای امن روحی و روانی را برای تربیت صحیح کودکان فراهم کند؟ بی‌گمان پدر و مادرها و معلمان مسئولیت بیشتری دارند که از حقوق کودکان و دانش آموزان خود دفاع کنند که متأسفانه چنین نیست.

۵- معلم: متأسفانه در گذشته در استخدام معلمان بجای توجه به توانایی علمی و مهارت‌های تدریس، به‌ظاهر، آرایش، نوع پوشش و مطیع بودن معلم توجه می‌شد. به‌تازگی هم وزارت آموزش و پرورش شرایط تبعیض‌آمیز و غیرانسانی را برای استخدام نیروهای خود ابلاغ کرده است. در این ابلاغیه مواردی همچون: داشتن لهجه غلیظ، ناباورری، موهای ژاژد صورت و… را مانع به‌کارگیری افراد به‌عنوان معلم ذکر کرده‌اند.

فقر اقتصادی معلمان موجب شده عده‌ای از آن‌ها به شغل‌های دیگری که هیچ ربطی به تدریس و آموزش ندارد روی آوردند و این یعنی گرفتن فرصت مطالعه و تحقیق از معلم و تحقیر او. در کل می‌توان گفت در این سیستم آموزشی همه شرایط لازم برای دیوانه کردن یک معلم فراهم است. بخشنامه‌های آبکی و دست‌ورعمل‌های فراوان و گاه‌ها ضدونقیض چنان مدیران و اولیای مدرسه را احاطه کرده که خلاقیت را از آن‌ها سلب نموده است. وضعیت موجود معیشت معلمان چنان است که معلم نمی‌تواند (حداقل به لحاظ اقتصادی) الگوی مناسبی برای دانش آموزان خود باشد و این ممکن است کل پروسه آموزش را مختل کند…

ادامه در صفحه ۳

چندپارگی نظام آموزش و پرورش

درآورد. این نظام آموزشی سیستمی تنگ نظرانه است و تلاش دارد، گفتمان خود را غالب کند و عملاً خلاقیت، انتقادپذیری و منتقد بودن را از دانش آموزان سلب کند. درواقع این سیستم آموزشی زنگارگرفته، می‌خواهد کودکان را برای زندگی در قیامت آماده کند و رسالت خود را در فرستادن آن‌ها به بهشت تعریف می‌کند. درحالی‌که کار اصلی آن در کنار آموزش مفاهیم علمی باید آموزش اصول شهروندی و آشنا کردن دانش آموزان با حقوق و وظایف خود، حل مسئله و چگونگی ارتباط و همکاری با دیگران، برای زندگی اجتماعی می‌باشد.

۳- محتوای آموزشی: بسیاری از مطالب کتب درسی حاوی مفاهیم خشونت‌آمیز است. بردار کردن حسنگ وزیر، نبرد رستم و سهراب، داستان چوپانی که سگش را عدام می‌کند… بعد از گذشت سال‌ها هنوز هم چهره دبیر ادیب‌اتمان را به یاد می‌آورد، آن زمان که توصیف می‌کرد، چگونه رستم خنجرش را در قلب سهراب فروکرد و آن را چرخانید! جدای از مطالب خشونت‌آمیز دانش آموز مجبور به حفظ و یادگیری مطالب فراوانی است که در آینده او هیچ کاربردی ندارد. آن‌ها ساعات زیادی را به آموزش زبان انگلیسی و عربی مشغول‌اند؛ اما چون ساختار غلط است در آخرسری بیشتر آن‌ها از راهنمایی یک توریست عاجزند چراکه به جای تمرین مکالمه بیشتر به آن‌ها دستور زبان و قواعد را می‌آموزند.

۴- عدم آموزش به زبان مادری: متأسفانه یکی از معایب ساختاری آموزش و پرورش در ایران بی‌توجهی به آموزش به زبان مادری است و سال‌هاست که کودکان غیر فارس از این حق طبیعی محروم شده‌اند!



■ امید رشیدی دبیر آموزش و پرورش



مردی که از زندان آشوبس در لهستان توانست فرار کند، دکتر ویکتور فرانکل اثریشی بود و با توجه به خودکشی‌ها و فواجیع زیادی که با چشم خود دیده بود، روانشناسی بسیار متبحر شده بود. بعدها او مدیر مدرسه‌ای فعال شد و در آغاز هرسال تحصیلی یکی از معلمان مدرسه این نامه را می‌فرستاد:

«من کسی هستم که از یکی از اردوگاه‌های اسیران جان سالم به در برده‌ام. چشمانم چیزهایی دیده که چشم هیچ آدمی نباید می‌دید، اتاق‌های گازی را دیدم که توسط بهترین و ماهرترین مهندسیین ساختمان ساخته‌شده بودند. بهترین و متخصص‌ترین پزشکانی را دیدم که کودکان را به شکل ماهرانه‌ای مسموم می‌کردند. نوزادانی را دیدم که توسط آمبول‌های پرستارانی مُردند که بهترین پرستاران بودند. انسان‌های بسیاری که توسط بهترین فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها سوزانده شدند و به همین خاطر من به آموزش به‌تنهایی مشغولم. چیزی که از شما می‌خواهم این است که: برای انسان شدن دانش آموزان تلاش کنید و تلاش شما موجب تربیت «جانوران دانشمند» و «بیماران روانی ماهر» نشود. خواندن، نوشتن، ریاضیات، علوم و… زمانی اهمیت پیدا می‌کنند که به انسان شدن کودکان کمک کند. پزشکی شدن، مهندس شدن و متخصص شدن کار سختی نیست و می‌شود با چند سال درس خواندن به آن‌ها رسید و چه‌بسا امروز در جامعه هم پزشکان زیادی داریم و هم مهندسیین زیاد، اما آنچه ما همواره به آن نیازمندیم، انسان است! کسانی که اخلاق و انسانیت برایشان بزرگ‌ترین تعهد و بزرگ‌ترین ارزش باشد. سعی کنید چنین افرادی پرورش دهید.»

در حاشیه پدیده «کولبری» و رویکردها به آن



دکتر اسماعیل محمودی
می‌توان اذعان نمود این روزها واژه کولبری در زمره واژگان کلیدی و پربسامد فضای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی

مناطق کوردنشین غرب کشور است که به خاطر حاشیه‌ها و پیامدهای و رویکردهای متفاوت به آن، به جغرافیای واژگان سیاستمداران و روزنامه‌نگاران مرکز اضافه شده است. در این میان رفتار و برخورد حاکمیت از یکسو و واکنش برخی از کنشگران جامعه مدنی به این پدیده از دیگر سو نیز موجب پیدایش دو رویکرد متفاوت و گاه متضاد به این پدیده شده که بعید نیست موجب گسترش موج بی‌اعتمادی برگشت‌ناپذیر در این مناطق شود.

از نگاه مرکز و بخشی از حاکمیت، پدیده کولبری بخشی از مسئله قاچاق است که اقتصاد و خاصه حوزه تولید کشور را با آسیب و چالش‌های جدی و جبران‌ناپذیر مواجه ساخته و از این منظر رفع و حل آن مستلزم کاربست رویکردهای امنیتی و نظامی و برخورد جدی است و این در حالی است که تاریخ یک‌صد ساله کشور ما نشان داده است که برخورد‌های امنیتی صرف، با این سنخ مسائل و چالش‌ها چندان موفق و کارساز نبوده است.

از نگاه کنشگران جامعه مدنی مناطق کوردنشین غرب کشور، این منطقه از آنجایی‌که دارای گسترده‌ای اقلیم کوردستان است و مهم‌ترین آن فقر و بیکاری بیداد می‌کند طبیعتاً زمینه برای کولبری و امر قاچاق کالا

میسر و فراهم است. باین وجود در فقدان مراکز اشتغال‌زا در منطقه، مسئله بیکاری فزاینده و مهم‌تر از همه تحکرات لجام‌گسیخته واسطه‌گران و قاچاقچیان ذی‌نفوذ و نامرئی، کولبری امری گریزناپذیر و غیرقابل اغماض است و از این رو قرار دادن کولبران در حلقه قاچاق و اتخاذ رویکرد امنیتی و سخت‌انگیزانه به کولبران و امر کولبری چندان منصفانه و پذیرفتنی نیست، چراکه این قشر نوظهور در جامعه کوردی به خاطر تأمین معیشت روزمره ناگزیر به انجام کار طاقت‌فرسا و پراز مخاطره جانی و مالی هستند. از این رو می‌تواند که به‌جای برخورد امنیتی با این مسئله، این پدیده مورد بازخوانی و بازنگری قرار گیرد و به پردازش راه‌های برون‌رفت از این وضعیت بفرنج‌نگریسته شود.

البته ناگفته نماند در پاره‌ای موارد دفاع تمام‌قد از مسئله کولبری از جانب این کنشگران ناخواسته و نادانسته یک حریم امن برای قاچاقچیان و واسطه‌گرانی که به استثمار کولبران نشسته ایجاد نموده که مستلزم تأمل بیشتر کنشگران در تمایز قرار دادن کولبران و قاچاقچیان است.

با این توصیفات در اولویت قرار دادن دو گزینه جهت برون‌رفت از این وضعیت و بفرنج‌نشوری و مستلزم کاربست دو اقدام اصولی و عملی کوتاه‌مدت و درازمدت است.

نخست برخورد قاطع و جدی با مسئله قاچاق و واسطه‌گری که اقتصاد کشور را با وضعیت بحرانی مواجه ساخته است، دوم اینکه جدی گرفتن مسئله بیکاری فزاینده در منطقه و اولویت دادن به

اشتغال بخشی از کولبرانی که شغل اصلی آنان کولبری است - گمان بر این است و چنان پیدااست بخشی از کولبران و صاحبان بار دارای شغل دومی نیز هستند و اینان خود وبال حال کولبران رنج‌دیده شده‌اند- بی‌شک در صورت حل دوگانه برخورد قاطع با قاچاق و اشتغال‌زایی کولبران، مسئله کولبری می‌تواند برای همیشه

نه تنها به‌مثابه امر قاچاق تبقیح شود بلکه کرامت و شرافت انسانی شهروندان کولبری که به خاطر امر معیشت روزمره در حال سقوط است احیا شود و از پایمال شدن بیشتر کرامت اینان ممانعت شود.

مغفول نماند نگرانی اینجاست معمولاً در ممالک شرقی در برخورد با پدیده‌ها و معضلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ما شاهد مسئله‌ای شگفت هستیم که می‌توان از آن به‌عنوان «انباشت مضلل» و «حذف صورت مسئله» تعبیر نمود و متأسفانه این رویکرد به مسائل باچخوانی و بازنگری قرار گیرد و پیش از اقتصادی و سیاسی و فرهنگی ما مبدل شده و بی‌شک این رویکرد، در آینده جامعه را متضمن پرداخت هزینه‌های



گزارف مادی، انسانی و سیاسی و اقتصادی جبران ناشدنی خواهد نمود و نموده‌است.

در پایان بنایستی این نکته ناگفته بماند رویکرد انباشتگی و پاک کردن صورت مسئله به پدیده کولبری که به‌صورت مستقیم با مسئله معیشت بخش قابل‌اعتنایی از خانواد‌های استان‌های کوردنشین غرب کشور ارتباط دارد چندان زیبیده و پذیرفتنی نیست. پس می‌تواند با رهیافت‌های عقلایی و علمی این پدیده مورد بازخوانی و بازنگری قرار گیرد و پیش از آنکه این معضل ما را دچار هزینه‌های گزارف مادی و معنوی سازد چاره یابی و چاره‌جویی شود.

زلزله تهدید نیست ... یک رخداد طبیعی است

عبدالله سجادی
کارشناس ارشد شهرسازی

زلزله با کسر یا فتح "ز" و یا زلزال با کسر "ز" به معنی تکان و جنبش و لرزش شدید و یا در مفهومی گسترده‌تر به معنی حرکت است. تمام ذرات عالم به سبب حرکت ذاتی خود (مثلاً در موجودات زنده) و یا به علت آنکه در دایره عالم محاط شده و حرکات کرات آسمانی بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد دارای حرکت بوده و می‌توان گفت که همه سلول‌ها و همه اتم‌ها و ریزتر از اتم‌ها شامل نوترون، الکترون و پروتون و یا حتی ذرات ریزتر در حال حرکت و تحول بوده و مسیر پیش روی خود را با دقت و ظرافت تمام طی می‌نمایند، بنابراین حرکت ذرات و اجسام در عالم طبیعت به‌عنوان یک اصل، شناخته و تثبیت شده و هیچ ذره‌ای از آن استثنا نشده است. اساساً دوام حیات موجودات به حرکت وابسته است و اگر نیک بنگریم درخواهیم یافت که پیشرفت و ترقی و کار و تلاش و فعالیت نیز نوعی حرکت است، بنابراین حرکت را بایستی به‌عنوان یک اصل پذیرفت.

علت زلزله هر چه باشد، پیشگیری از آن غیرممکن است

کره زمین نیز همچون سیارات دیگر در حال حرکت و گردش بوده و هر آنچه را که در خود دارد با خود حمل می‌کند. از نحوه جابجایی و حرکات و جنبش‌هایی که در هسته و گوشته زمین اتفاق می‌افتد حقیقتاً اطلاعات چندانی در دست نیست و هنوز علم و دانش بشری نتوانسته به رازهایی این چنینی پی ببرد. دانش فعلی بشر به تغییرات و تحولات پوسته زمین محدود بوده و نظریه تکتونیک لره‌ای در همین محدوده صدق می‌کند بر اساس این نظریه پوسته زمین از صفحاتی تشکیل شده و حرکت این صفحات و برخورد آن‌ها با همدیگر سبب آزاد شدن انرژی و انتقال آن به سطح زمین و ایجاد خسارت و خرابی‌ها می‌گردد. آنچه مسلم است این است که علت زلزله هر چه باشد پیشگیری از آن غیرممکن بوده و با توجه به اینکه انسان محاط در کره زمین بوده و این سیاره و فضای متعلق به آن محیط بر محیط زیست بشری باشد احتمال وقوع زلزله در هر لحظه و هر مکان وجود دارد.

احتمال وقوع زلزله در میوان بالاست و در برابر زلزله آسیب‌پذیری می‌باشد
کشور ایران یکی از ده کشور برتر در زمینه وقوع حوادث طبیعی بوده و زلزله یکی از این حوادث می‌باشد. تقریباً تمام سرزمین ایران مستعد وقوع زلزله بوده و به‌جز نواحی معدودی در مناطق کویری احتمال وقوع زلزله در این سرزمین پهناور وجود دارد. برحسب لرزه‌خیز بودن وقوع زلزله، مطابق آخرین استانداردها زلزله تحت عنوان استاندارد ۲۸۰۰- ویرایش چهارم - کشور ایران به چهار پهنه تقسیم شده

است. پهنه با خطر لرزه‌خیزی کم، پهنه با خطر لرزه‌خیزی متوسط، پهنه با خطر لرزه‌خیزی زیاد و پهنه با خطر لرزه‌خیزی خیلی زیاد. عمده مناطق و استان‌های ایران در پهنه بالارزه‌خیزی زیاد واقع شده‌اند.

لرزه‌خیزی شهر میروان خیلی زیاد بوده و بر همین منشا شتاب مبنای طرح در این‌نامه زلزله حداکثر مقدار آن نسبت به مناطق دیگری باشد. (شتاب مبنای طرح که رابطه مستقیم با نیروی زلزله دارد در شهر میروان ۰.35 A= می‌باشد) از طرفی بررسی وضعیت زمین‌شناسی میروان نشان می‌دهد که مشخصات فنی خاک آن ضعیف و سست است ثانیاً رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی در محدوده شهر و ثالثاً ساخت مسکن راحت و آیین به‌طوری‌که ساکنان احساس آرامش داشته باشند.

بهر حال موضوع کنترل ساخت وساز در سه محور قابل بررسی است:
۱- لاولوگری از گسترش طرح مصوب محدوده شهری که این محدوده با توجه به مطالعات آینده‌نگری مشخص و به‌توصیه رسیده است ثانیاً رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی در محدوده شهر و ثالثاً ساخت مسکن راحت و آیین به‌طوری‌که ساکنان احساس آرامش داشته باشند.

موردیچت این نوشتار محور سوم می‌باشد که متأسفانه تاکنون آن چنان‌که لازم باشد به آن توجه نگردیده است. ساختمانی که به‌صورت غیرمجاز احداث می‌شود به دلیل آنکه نقشه و مشخصات ندارد فضاهای داخلی آن به‌درستی و به شیوه علمی (علم معماری) تعریف نشده و بنابراین ساکنان آن آرامش و راحتی مورد انتظار را احساس نمی‌کنند. نداشتن جزئیات سازه‌ای و عدم رعایت نکات اجرایی به دلیل عدم نظارت فنی توسط افراد واجد صلاحیت ساختمان راهم در حین بهره‌برداری و هم به هنگام وقوع زلزله با مشکلات برگشت‌ناپذیری مواجه خواهد کرد که نتیجه آن از بین رفتن سرمایه چندین ساله یک فرد یا یک خانواده و شاید یک نسل می‌باشد.

مشکل دیگری که در حوزه شهری با آن روبرو هستیم اضافه بنا در ساختمان‌هایی است که دارای پروانه و نقشه می‌باشند. این یک واقعیت است که طرح تفصیلی شهر میروان در برخی محلات ناقص و اشکالاتی دارد که منجر به افزایش تراکم ساختمان‌ها به‌صورت غیرقانونی می‌گردد اما مهم‌تر از آن نگرش فرهنگی به مقوله خانه و سرپناه است که در میروان اولویت نخست شهروندان داشتن خانه‌ای بزرگ‌تر است حتی اگر ضوابط شهرسازی و یا استحکام بنا در آن رعایت نشده باشد؛ بنابراین ساختمانی که دارای نقشه و پروانه بوده ولی اضافه بنا دارد نمی‌توان انتظار داشت که استحکام و مقاومت کافی در برابر زلزله را داشته باشد.

زلزله یک رخداد طبیعی و نباید با آن مقابله کرد
علم زلزله یک علم جدید بوده و همانند دیگر رشته‌ها، این دانش بسیاری از مجهولات محیط زیست بهتر تأسیس شده‌است. اینکه ما شهرداری را مقابل و روبروی خود فرض کنیم و درصد تقابل گری برآییم نتیجه‌ای غیر از آنچه

اکنون با آن مواجه هستیم به دست نخواهیم آورد. نتیجه مثبت و کارآمد تعامل شهرداری و شهروندان در بسیاری از کشورهای جهان محسوس و قابل مشاهده بوده و به‌طور نسبی به آنچه انتظارش را داشته‌اند دست یافته‌اند هرچند اینکه این موضوع امیدوارانه است اما تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم.

بهر حال موضوع کنترل ساخت وساز در سه محور قابل بررسی است:
۱- لاولوگری از گسترش طرح مصوب محدوده شهری که این محدوده با توجه به مطالعات آینده‌نگری مشخص و به‌توصیه رسیده است ثانیاً رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی در محدوده شهر و ثالثاً ساخت مسکن راحت و آیین به‌طوری‌که ساکنان احساس آرامش داشته باشند.

موردیچت این نوشتار محور سوم می‌باشد که متأسفانه تاکنون آن چنان‌که لازم باشد به آن توجه نگردیده است. ساختمانی که به‌صورت غیرمجاز احداث می‌شود به دلیل آنکه نقشه و مشخصات ندارد فضاهای داخلی آن به‌درستی و به شیوه علمی (علم معماری) تعریف نشده و بنابراین ساکنان آن آرامش و راحتی مورد انتظار را احساس نمی‌کنند. نداشتن جزئیات سازه‌ای و عدم رعایت نکات اجرایی به دلیل عدم نظارت فنی توسط افراد واجد صلاحیت ساختمان راهم در حین بهره‌برداری و هم به هنگام وقوع زلزله با مشکلات برگشت‌ناپذیری مواجه خواهد کرد که نتیجه آن از بین رفتن سرمایه چندین ساله یک فرد یا یک خانواده و شاید یک نسل می‌باشد.

مشکل دیگری که در حوزه شهری با آن روبرو هستیم اضافه بنا در ساختمان‌هایی است که دارای پروانه و نقشه می‌باشند. این یک واقعیت است که طرح تفصیلی شهر میروان در برخی محلات ناقص و اشکالاتی دارد که منجر به افزایش تراکم ساختمان‌ها به‌صورت غیرقانونی می‌گردد اما مهم‌تر از آن نگرش فرهنگی به مقوله خانه و سرپناه است که در میروان اولویت نخست شهروندان داشتن خانه‌ای بزرگ‌تر است حتی اگر ضوابط شهرسازی و یا استحکام بنا در آن رعایت نشده باشد؛ بنابراین ساختمانی که دارای نقشه و پروانه بوده ولی اضافه بنا دارد نمی‌توان انتظار داشت که استحکام و مقاومت کافی در برابر زلزله را داشته باشد.

زلزله یک رخداد طبیعی و نباید با آن مقابله کرد
علم زلزله یک علم جدید بوده و همانند دیگر رشته‌ها، این دانش بسیاری از مجهولات محیط زیست بهتر تأسیس شده‌است. اینکه ما شهرداری را مقابل و روبروی خود فرض کنیم و درصد تقابل گری برآییم نتیجه‌ای غیر از آنچه

ادامه مطلب...

کسب روزی یا ایجاد مزاحمت



طبق ماده ۵۵ قانون شهرداری ایجاد خیابان‌ها، کوچه‌ها و میدان‌ها و... و همچنین گسترش و توسعه معابر از وظایف شهرداری است و مطابق تبصره ۱ بند ۲ همین ماده جلوگیری از ایجاد سد معبر توسط بازاریان و غیره هم بر عهده شهرداری گذاشته شده است؛ زیرا بند ۲۰ ماده ۵۵ اصلاحی قانون شهرداری: سد معبر عمومی و اشغال پیاده‌روها و اراضی احداث می‌شود، متعلق به پارک‌ها و باغ‌های عمومی برای کسب و سکونت را ممنوع اعلام کرده است. طبق تبصره ۶ ماده ۱۰۱؛ معابر و شوارع عمومی که در اثر تفکیک اراضی احداث می‌شود، متعلق به شهرداری است و شهرداری در قبال آن به‌هیچ‌عنوان، وجهی به صاحب آن پرداخت نخواهد کرد. شهرداری‌ها موظف است از معابر به‌عنوان ملک عمومی حفاظت کرده و آن را برای استفاده عموم آماده نگه‌داشته و از تجاوز به میدان‌ها، پارک‌ها و باغ‌های عمومی که حق طبیعی هر شهروندی می‌باشد جلوگیری نماید.

همچنین مطابق تبصره ۶ ماده ۹۶ قانون شهرداری‌ها نیز «اراضی کوچه‌های عمومی و میدان‌ها و پیاده‌روها و خیابان‌ها و به‌طورکلی معابر و مسیر رودخانه‌ها و نهرها و مجاری فاضلاب شهرها و باغ‌های عمومی و گورستان‌های عمومی و درخت‌های معابر عمومی واقع در محدوده هر شهر که مورد استفاده عموم است، ملک عمومی محسوب می‌شود و در مالکیت شهرداری است.

سد معبر جرم است
پس بر اساس تعاریف و مواد قانونی ذکر شده، شهرداری‌ها موظف‌اند از معابر به‌عنوان یک ملک عمومی حفاظت کنند و همواره آن را برای استفاده عموم آماده نگه‌دارند و از تجاوز اشخاص به آن‌ها جلوگیری کنند. استفاده از این مکان‌ها حق طبیعی مردم به‌شمار می‌رود و هیچ‌کس چه حقوقی و چه حقیقی نمی‌تواند مانع این استفاده مشروع مردم از این مکان‌ها شوند؛ و این مهم هم در اصل ۴۰ قانون اساسی تأکید شده است که: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.»

لازم به ذکر است، طبق قوانین شهرداری‌ها به هیچ‌واحد صنفی مجوز اشغال سطوح معابر داده نشده است و بر این اساس هیچ‌یک از کسبه و واحدهای صنفی اجازه ندارند از پیاده‌رو برای گذاشتن میز و صندلی و کالا استفاده کنند درحالی‌که ما بارها و بارها شاهد بوده و هستیم که صندلی‌ها نه تنها در پیاده‌رو بلکه در خیابان‌ها نیز گذاشته می‌شوند.

یکی از سؤالاتی که در این زمینه وجود دارد این است که آیا سد معبر جرم است؟

تبدیل گرفتن بورس از دانشگاه‌های زاین را یک فرصت طلایی برای گسترش دانش خود می‌دانند. از آنجایی‌که ایران یک کشور لرزه‌خیز بوده ظرفیت کار و پژوهش درباره این رخداد بسیار بالا بوده و علاوه بر اینکه با تمرکز بیشتر روی این موضوع می‌توان سازه‌هایی ایمن طراحی و اجرا کرد می‌تواند کشور را در زمینه گسترش علم زلزله بسیار توانمند سازد.



زمین یکی است.
مقاله‌های این مجله



ترگس رفیعی

کارشناس ارشد مطالعات زنان
فقریعی آسیب‌پذیر بودن، در معرض بودن و بی‌قدرت بودن در رویارویی با مخاطرات و پیشامدهایی که خانوار را تهدید می‌کند. همچنین به دلیل وسعت انواع معلولیت و مشاب‌هت مشکلات افراد معلول، خواسته‌های مشابه و مخاطرات و آسیب‌های مشترکی که همه معلولان را تهدید می‌کند، در این مقاله به آسیب‌شناسی معلولیت از منظر اقتصادپرداخته‌شده‌است.

نداشتن درآمد و اندازه ناکافی دارایی شخصی و عدم دسترسی به امکانات، از دلایل پدید آمدن فقر هستند. ارتباط بین فقر و معلولیت چندوجهی و پیچیده است. فقر در ایجاد معلولیت با محیط زندگی آلوده، فقر غذایی، سوء‌تغذیه، نبود آموزش مهارت‌های زندگی، درس و مهارت‌های درآمدزا، حوادث جاده‌ای و شغلی، تعارضات و درگیری‌های قومی و گروهی و بلاپای طبیعی مؤثر است.

متأسفانه در همه‌ی کشورها، فقیرترین بخش جامعه از معلولان تشکیل شده است. این در حالی است که در اهداف توسعه‌ی جهانی، جایگاهی برای معلولان منظور نشده است. سازمان ملل اولین بار در سال ۱۹۹۰ بانک اطلاعات معلولیت‌ها را تدوین کرد. بر این اساس پراکندگی معلولیت در همه‌ی کشورها از ۱٪ در پرو تا ۲۱٪ در اتریش تخمین زده شد. بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت، ۱۰٪ جمعیت جامعه را توان‌خواهان تشکیل می‌دهند و بیشترین بخش از جمعیت آن‌ها فقیر هستند. سازمان بهداشت جهانی و سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ نشان دادند که ۴٪ جمعیت کشورهای درحال‌توسعه و ۷٪ جمعیت کشورهای صنعتی، دچار معلولیت هستند (متر، ۲۰۰۰). دلیل برآورد بیشتر شمار معلولان در کشورهای صنعتی نسبت به کشورهای درحال توسعه، تشخیص و آمار دقیق آن‌ها است. در مناطق روستایی به دست آوردن آمار دقیق معلولان دشوار تراست. این نشان می‌دهد که در جامعه روستایی یک معلول تمایل کمتری نسبت به دیده شدن و به حساب آمدن به‌عنوان یک معلول از خود نشان می‌دهد. این عدم همکاری برای معرفی خود بی‌شک به نبود عوامل آگاهی‌رسانی، حمایتی و تشویقی در برخی‌مناطق دلالت دارد.

سازمان بهداشت جهانی تخمین می‌زند که صد میلیون نفر در کل جهان به دلیل فقر بهداشت و سوء‌تغذیه دچار اختلالاتی شده‌اند. پژوهشی نشان می‌دهد که در هند درصد معلولان در شهرها و روستاها یکسان است اما با توجه به اینکه بیشتر ساکنان آسیای جنوبی روستایی هستند، بنابراین جمعیت معلولان روستایی بیشتر از معلولان شهری‌ست.

برنامه‌ی آموزشی ریشه‌کن کردن فقر، خالی از سیاست‌ها دربار‌هی معلولان
در کشورهای فقیر برای گروه معلولان، زندگی و شرایط بسیار دشوار اجتماعی، عاطفی و اقتصادی و نیز مرگ‌های در خاموشی بیشتر از کشورهای ثروتمند است. دلیل عمده مشخص‌است:محرومیت؛

محرومیت در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. برخی کشورهای صنعتی نیز مستثنا نیستند. در انگلستان بین سال

آسیب‌شناسی ارتباط معلولیت و فقر مزمن در کشورهای در حال توسعه

۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ تنها یک‌سوم افراد ضایعه نخاعی بزرگ‌سال شغل داشته‌اند (بررسی نیروی کار، زمستان ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۹). انجام‌شده‌هایی که درباره‌ی معلولان در دشتن شغل اشاره‌شده تا فقر و مشکلات و نگرانی‌های واقعی این قشر. در سال ۱۹۹۶ کمیته همکاری توسعه از سازمان مشارکت و توسعه‌ی اقتصادی، هفت هدف بین‌المللی را برای پیشرفت در پژوهش برای کاهش ارتباط بین فقر و معلولیت نظر گرفت. این کمیته می‌خواست تعداد فقیرترین افراد در سال ۲۰۱۵ را تخمین بزند. این اهداف، بدون اینکه کوچک‌ترین توجهی به ارتباط عوامل مؤثر در فقر و معلولیت، افسار مختلف جوامع را موردبررسی قرارداد. نتیجه آن شد که برنامه‌ی آموزشی ریشه‌کن کردن فقر، خالی از سیاست‌ها درباره‌ی معلولان بود. نکته منفی این است که ممکن است انتظار جامعه همین باقی بماند که توان‌خواه باید از میزانی از فقر زندگی کند. گرچه به‌تازگی برخی NGO ها، خیرین و دولت‌مندها در نطق خود از معلولان با عنوان حمایت یاد می‌کنند ولی دگرگونی‌های اندکی در اقدام رسمی و قانونی دیده‌شده است. بعلاوه اطلاعات آماری کامل و قابل‌اعتمادی از روند رو به رشد شرکت معلولان درصحنه‌های ورزشی، اجتماعی و اقتصادی جوامع وجود ندارد.

انتقال فقر مزمن از نسلی به نسل دیگر
افزون بر این در اهداف و استراتژی‌های براندازی فقر، توجه نکردن به فقر مزمن و ریشه‌دار که اهم مشمولان آن از معلولین هستند، خطری مضاعف محسوب می‌شود. فقر مزمن اصطلاحاً نوعی از فقر است که به‌تاسدب شرایط شخصی مانندگازا، تا زمان پایداری شرایط، شکستن یا تخفیف آن غیرممکن یا بسیار دشوار است. این نوع فقر از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. استابز در بنیاد نگهداری از کودکان اشاره می‌کند که از میان ۱۸۰ نثریه، دوسوم آن‌ها توسط مسئولین و کارمندان بدون نقص جسمانی نوشته می‌شوند و تنها پنج نویسنده‌ی معلول در میان آن‌ها وجود دارد (استابز،۱۹۹۹).

چرخه سه وجهی فقر و معلولیت
منبع: گروه بین‌المللی توسعه (لندن، ۲۰۰۰)

خانواده‌های دارای سرپرست معلول لزوماً فقیر نمی‌شوند، اما در صورت فقر، فقیر و عمیق‌تر تجربه‌می‌کنند
معلولیت تنها فرد معلول را متأثر نمی‌کند بلکه درآمد کنونی و آینده کل خانواده را متأثر می‌کند. تحقیقات در هند نشان داد که وضعیت خانواده دارای فرد معلول زیر حد میانگین اقتصادی است. در اوگاندا نیز خانواده‌های دارای فرد معلول ۲۸٪ بیشتر احتمال فقیر بودن را دارند. همچنین بسته به محیط زندگی، مصرف خانوار خانواده‌ی

نخاعی ممکن نیست. گرفتن وکیل یا قیم در مسائل مالی و اداری، علاوه بر محدود کردن دسترسی، اختیار و نظارت فرد بر دارایی‌های شخصی، این نگرانی را برای فرد ایجاد می‌کند که توسط وکیل یا قیم مورد سوءاستفاده‌ی مالی قرار بگیرد. این دست محرومیت‌ها، انتشار فقر به نسل بعد را هم محتمل می‌کند. در قوانین مصوب مجلس جای قانون الزام سازمان‌ها به رعایت حقوق این دست از توان‌خواهان که در اثر حادثه دچار معلولیت شده‌اند، خالی‌است.

آمار معلولان سازمان ملل نشان می‌دهد که نرخ‌های معلولیت در نقاط گوناگون جهان به دلیل طرح‌های گوناگون پژوهشی، تعریف‌ها، مفاهیم و روش‌ها باهم قابل‌مقایسه نیستند. افزون بر این در هر فرهنگی آنچه در اختلا‌ها منجر به حاشیه رفتن و حذف شدن می‌شود، گوناگون است. برای مثال کم‌بینایی در کشوری که عینک‌های ویژه به‌راحتی در دسترس هستند، منجر به حاشیه رفتن نمی‌شود و نباید معلولیت نام بگیرد. یا اینکه ضایعات نخاعی چنانچه برای کسی بروز کند که صاحب شغل رده‌بالا بوده، نسبت به کسی که از سطح سواد و جایگاه شغلی مناسبی برخوردار نیست، اثرات متفاوتی دارد (الوان، ۱۹۹۹). در مورد اول، شخص آسیب‌دیده چنانچه از نظر روحیه مشکلی نداشته‌باشد، به شغل خود ادامه می‌دهد ولی شخص دوم به‌احتمال زیاد به حاشیه‌رانده می‌شود.

تبعیض‌های موسسه‌ای، سنگ بنای تبعیض‌های عرفی و دیدگاه‌عمومی
تا زمانی که گردآوری آمار ی میزان و نوع معلولیت‌ها، جایی در سیاست‌گذاری‌های کلان نداشته‌باشد، نمی‌توان انتظار تغییر مثبت و ماندگار داشت. به‌جز سازمان ملل و بانک جهانی هیچ سازمان دیگری در آمار و بررسی‌های خود به فقر و معلولیت اشاره‌ای ندارند. جنبه‌های گوناگون محتاج بررسی تخصصی در خصوص معلولیت شامل برابری، قدرت، حقوق بشر، فقر و به حاشیه راندن است (لی، ۱۹۹۹).

با توجه به شکل مشابه مشکل در کشور ما، این آسیب قابل توجه است که چنانچه بیان جنبه‌های گوناگون مشکل، پیشنهاد، راهکار، تأکید و ممارست در پیگیری خواسته از سوی شخص یا گروهی که به آن مشکل ای‌تلاش روزمره ندارند صورت پذیرد، یک‌سک با کمبودهایی همراه خواهد بود. این نوشتار نشان می‌دهد که چگونه تبعیض‌های موسسه‌ای، سنگ بنای تبعیض‌های عرفی و دیدگاه عمومی را گذارده و تقویت می‌کند و بر تبعیض‌های محیط چشم‌پوشی می‌کند. ارتباط بین فقر و معلولیت تا زمانی که توان‌خواهان از حقوق برابر یا غیرتوان‌خواهان برخوردار نباشند، ناگسستنی‌است(لی،۱۹۹۹).

ادامه‌دارد...

منبع:

استابز، سو، ۱۹۹۹. دگرگری با تفاوت‌ها: خودکاو ی روش‌شناسی در موضوع معلولیت و پژوهش توسعه
الوان، آن، ۱۹۹۹. فقر و معلولیت، پژوهشی در باب ادبیات‌بانک‌جهانی.
حاصه‌آمار معلولیت، ۱۹۹۰، نیویورک.
لی، هلن، ۱۹۹۹. معلولیت در مباحث توسعه، آکسفورد.

متر، روبرت، ۲۰۰۰. مباحث معلولیت، روندها و پیشنهادهایی برای بانک جهانی، بانک جهانی.
یو، ریکا، فقر مزمن و معلولیت، اگوست ۲۰۰۰.
مجله معلولیت و توسعه. مرکز پژوهش‌های فقر.

ناوی نازهلان له پهندي پيشينيان و کولتوری کورده‌واريدا

گورگی برسی ناپرسن له وشرتی سألج و کهری عوزه‌یر
گه‌مه‌ی که رچووته وقه‌به
لاکی که‌رو دپانی سه‌گ، نه ئیشک له مینئ و نه‌رگ
حە‌یفه له نه‌سپ دابه‌زی بؤ‌سواری کهر
له‌بری قه‌رز، که‌ری کاروان گل نه‌داته‌وه
له‌به‌شی خه‌لکا، که‌ر‌مه‌به‌سه‌رؤ
له‌به‌ینی که‌رو قاترا گبرمان کردوه
له‌سه‌ر حوت‌که‌را داماره بؤ‌که‌ر
ئه‌ئیی له قنتگی که‌ردا که‌وتوه
له‌گه‌ل که‌رئویبو، چشوو چشوو‌نه‌کا
هه‌ر که‌ر، که‌ر نیبه
له‌بوچه، بؤ‌که‌رو هینستری ناره‌سه‌نه
مالی خیله‌کی له کؤ‌لی که‌ره
م‌ریشکیکی هینلکه‌که‌ر، چاکتره له که‌ری بازه‌به‌ر
مه‌پرسه له کؤچ و مالی، که‌ری دیز و بیشکه‌به خالی
میرانی که‌ران بؤ‌که‌متیاره
میوان، که‌ری خاوه‌نماله
نان بؤ خؤت و بؤ‌چؤ‌که‌ر که‌ت
نالی که‌رئویبوئه‌که‌نیتؤ
نیزه‌که‌ربوو به‌به‌شکه‌ر، به‌شی خؤی ئه‌باته‌سه‌ر
هه‌رک‌ه‌ر، که‌ر نیبه
وتیان به‌که‌ر ئه‌ده‌بت کوا؟ به‌یکیی لیدا
وشرته بیریش دوو‌که‌ر ئه‌زئ

مندالان و کرانه‌وه‌ی خویندنگه‌گان



مندالان و کرانه‌وه‌ی خویندنگه‌گان

مندالان و کرانه‌وه‌ی خویندنگه‌گان

خه‌لیل خاوه‌ریان
له نیوه‌ی مانگی خه‌رماناندا
زۆربه‌ی دایکان و باوکان
به‌کرینی جلوه‌رگی نوئ و به‌جاننا و نامرازی تایبه‌ت به‌خویندنگا و راپان بهینن که‌ مندال به‌بوونی ئه‌و شتانه دلخؤش ده‌یی و هه‌ستییگی خؤش له ناخیدا دروست ئه‌بی بؤ

کرانه‌وه‌ی خویندنگاکان ئه‌که‌ن. به‌شیک له مندالان پیش ئه‌وه‌ی خویندنگاکان بکرینه‌وه خه‌ون و خولیبیان کرانه‌وه‌ی خویندنگایه و به‌دلخؤشییه‌وه پیشوازی له‌چوون بؤ خویندنگا ئه‌که‌ن و به‌شیکی دیکه‌ش نیک‌هه‌ران به‌چوون بؤ خویندنگا و ناخؤشه‌وه له‌هه‌موو خویندنگا شوینیکی نامؤ و ناخؤشه‌وه له‌هه‌موو خؤشییه‌ک دایان ئه‌برئ. هه‌موو مندالی‌ک پیش ئه‌وه‌ی خویندنگا بکرته‌وه پێویستی به‌هاوکاری دایک و باوکی و دهره‌وبره‌ی خۆپه‌تی و ده‌بیت ئه‌م تایبه‌تمه‌ندیانه‌ پیش کرانه‌وه‌ی خویندنگا له ناخیدا به‌هیزبکری‌ت، که بریتین له:

۱- باوه‌ر به‌خۆبوون: مندالان ده‌یی هه‌ست بکه‌ن‌ک‌ه ئه‌توانن‌سه‌ه‌که‌وتووبن له‌وانه و خویندنگادا و گه‌ر له‌وانه‌به‌کیشدا پله‌ی باشیان به‌ده‌ست نه‌هینا. دیسان ئه‌توانن هه‌ولی زیاتری بۆ‌ده‌ن ...

۲- سه‌ر به‌خۆبی: مندالان ئه‌بئ‌ی فیر بکن له‌بئ‌یره‌چوونه‌ خویندنگا به‌بی‌بوونی دایک و باوکیان، له‌خویندنگاکاندا خۆیان ئیشی خۆیان بکه‌ن.

۳- نامانج: ئه‌بی‌به‌ نامانجی فیر‌بوونی زانست و ره‌وشی‌ت باش له‌خویندنگا و‌انه و مامؤستاکانیا‌ن، مندالان بؤ‌خویندنگا بئ‌ترین.

۴- پیداک‌ری: تایبه‌تمه‌ندیی پیداک‌ری له‌ مندالاندا به‌هیزبکری‌ت، بؤ‌ئ‌وه‌ی بزانه‌ه‌ر ئیشیک که‌ده‌ستی بی‌ئ‌که‌ن به‌ئ‌نجامی بگه‌یه‌نن و تا‌کو‌تایی له‌سه‌ری ب‌میننه‌وه.

۵- به‌پجۆر و په‌رسا: مندالان به‌شپوه‌یه‌کی سورشتی به‌پجۆر و په‌رسازنجکاوان و ئه‌بی ئه‌م تایبه‌تمه‌ندییه‌ له‌ناخیاندا به‌هیزبکری‌ت، تاده‌رفته‌ی فیربوونیان له‌ده‌ست نه‌چیت.

۶- هاوده‌نگی‌ت: مندالان ئه‌بی‌توانن له‌گه‌ل که‌سانی تریش کار بکه‌ن و شته‌کانیان پیکه‌وه به‌کار ب‌ینن و زۆرجاریش دابه‌شی بکه‌ن. فیر بین نۆبه و سه‌ره‌ی خۆیان و هاوریکانیان له‌هه‌موو کار و نه‌رکتیکدا ب‌بارئین.

۷- خۆ‌گرتن: خۆ‌کو‌ترؤ‌ل کردن ده‌بیت له‌ ناخی مندالاندا به‌رفره‌ بکری‌ت، تا بتوانن به‌توندوتیژی وه‌لامی هه‌مووئیشیک نه‌ده‌نه‌وه و زۆر نا‌کاری وه‌کو‌ولیدان و نازاردانی هاوریکانیان جیگای به‌سند کردن نیبه.

۸- هاودلی: مندالان ئه‌بیت هه‌ستی خۆشه‌ویستیان بؤ‌که‌سانی دهره‌وبره‌ریان و هاوریکانیان بی‌ و هه‌ست و عاتیفه‌یان له‌به‌رجابگرن له‌هه‌موو پێوه‌ندییه‌کدا.

ئه‌و تایبه‌تمه‌ندیانه‌ گه‌ر له‌که‌سایه‌تیی مندالاندا بو‌نیاد بن‌ئین، ئبترله‌ خویندنگا کیشه‌ی پێوه‌ندی‌گرتن به‌دهره‌وبره‌ری و مامؤستا‌وفیربوون له‌وانه‌دا که‌متره‌وبره‌ی‌رووبان ئه‌بیته‌وه و باشریش ئه‌توانن خۆیان له‌گه‌ل چوارچێوه‌ی خویندنگادا بگونجئین.

هه‌موو ئه‌و گه‌وره‌سالانه‌ی چوونه‌ته‌خویندنگا یه‌که‌م رۆزبان له‌ بیهر و هه‌موو کات له‌میشکایاندا ده‌مییته‌سه‌. خویندنگا ده‌بیت له‌گه‌ل هه‌ست و چه‌رزى مندالاندا گونجاو بی‌ت و که‌شیکێ نارام و ناسووده‌ بی‌ت بۆیان تا‌کوو یه‌که‌م رۆژی فیربوونی زانست له‌چوارچێوه‌ی خویندنگادا به‌خۆشی له‌ ده‌روونیاندا خۆیان جیگه‌یر بکه‌ن و ده‌سه‌پتکی خویندن بیته‌ بیهره‌ورییه‌کی خۆش و هه‌ستییکی خۆش بؤ خویندن و خویندنگاله‌ناخیاندا.

مندالان ئه‌بیت فیری بیه‌ه‌ندیی کومه‌لایه‌تی له‌گه‌ل مندالی دیکه‌ بی‌ و بتوانی به‌بی‌بوونی دایک و باوک به‌ناسایی خۆی له‌گه‌ل زه‌کاتی که‌ریه‌تی ده‌رئه‌کا، ئه‌وه‌ی تاریفی خۆی ئه‌کا

هه‌م سواری که‌رو، دیداری خۆیشان هه‌ینست‌چون باوکی که‌ره، هه‌م له‌قه‌ئه‌دا و هه‌م گازنه‌گرئ
یه‌نیک سه‌ریان تاشی بوو، سواری که‌ریان کردبوو، ئه‌بیوت دانه‌که‌وم
یاکه‌رئه‌توپی، یاخاوه‌نی که‌ر
ئاغه‌زتی به‌چه‌به‌ر، باوه‌شینییه‌کلکی که‌ر
ئاوای که‌ر، خه‌رمانی جوئی
ئه‌سپ به‌دن به‌که‌رسوار، سه‌ره‌رؤئه‌بی
ئه‌سپ بؤ‌مه‌یدان، که‌ر بؤ‌کاکیشان

ئه‌گه‌ر هه‌موو که‌ری ناخوری بی، جئ بؤ داینشتن‌نامینی.



صاحب امتیاز و مدیرمسئول: امید رشیدی

زیر نظر: شورای سردبیری

مهانامه کوردی - فارسی

مدیر هنری: صلاح علمی زاده

تلفن و نمابر: ۰۷۲۵۰۳۴۵۸۷

روابط عمومی و پذیرش آگهی: ۰۹۱۸۵۱۵۲۴۸۸

گستره ی توزیع: استان های کوردستان، ایلام، کرمانشاه، لرستان، آذربایجان غربی

نشانی دفتر مرکزی: استان کوردستان، مریوان، خیابان مولوی کورد، ساختمان روز، طبقه ی اول، واحد ۱۰۵، کدپستی: ۶۶۷۱۹۱۵۶۴۰

ایمیل: chya.govar@gmail.com

مهانامه چیا در ویرایش و تلخیص مطالب ارسال آزا است

مطالب و آثار چاپ شده لزوما نظر گردانندگان چیا نمی باشد

شماره حساب: ۰۱۰۳۲۲۹۶۰۰۱ بانگ ملی

شماره کارت: ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۵۴۸۷۴۱

چاپخانه: پیام رسانه همدان

«نه حمده شاملو»

عکسنامه

سمکو عظیمی

تلخند

کاریکاتور

ابراهیم ادوایی



چکاد

سینه باید گشاده چون دریا...

محیط بان، نامی آشنا به گوش دوستداران محیط زیست، همان کسانی که در صف مقدم به قیمت جانشان از محیط زیست این مرزوبوم حفاظت می کنند. محیط بانان تا به حال تعداد زیادی شهید برای حفاظت از زیست بوم این کشور تقدیم نموده اند.

چکاد این شماره چیا به معرفی کسی می پردازد که علاوه بر کسوت محیط بان از فعالان دلسوز محیط زیست است. **آمانج قربانی** در سال ۱۳۶۴ در روستای بزوش از توابع کامیاران به دنیا آمد. سال ۸۳ در رشته کارشناسی محیط زیست دانشگاه کرج پذیرفته شد. سپس در سال ۱۳۹۲ از دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی ارشد مهندسی محیط زیست فارغ التحصیل شد. او که از دوستداران محیط زیست است. از سال ۹۴ به عنوان محیط بان استخدام گردید، اما هیچ وقت فعالیتش به کار سازمانی محدود نشد و علیرغم ممانعت و تهدیدات نهاد های مختلف مهندسی محیط زیست فارغ التحصیل شد. او فعالیت محیط زیستی خود را در شیفت مخالف کاری با فعالیت رسانه ای و حضور در خاموش کردن آتش سوزی ها از سال ۸۸ ادامه داد.

او علاوه بر محیط بان به عنوان روزنامه نگار و وبلاگ نویس حوزه محیط زیست شناخته می شود. از فعالیت های رسانه ای وی می توان به مدیر وبلاگ حامیان حیات و محیط زیست، مدیر سایت زاگروس ما، روزنامه نگار بخش

زیست بوم، هفته نامه سیروان، مدیر بخش محیط زیست کانال کامیاران اشاره نمود. وی از سال ۹۴ به عضویت انجمن سبز چیا درآمد و چندی پیش از طرف مرکز آموزش های محیط بان از وی به عنوان نماینده محیط بانان کشور و انجمن سبز چیا در ۹ مرداد ۹۵ در برنامه هوای تازه شبکه افق دعوت و تقدیر شد. اکنون نیز با علاقه و اختیار از عضویت در انجمن سبز چیا افتخار می کند.

آمانج قربانی در چندین مقطع برای انجام فعالیت های زیست محیطی مورد تقدیر قرار گرفته که از جمله می توان به مواردی چون:

- تقدیر به دلیل فعالیت مستمر علمی و فرهنگی در دانشگاه محیط زیست از سوی دانشگاه محیط زیست،
- تقدیر به عنوان فعال رسانه ای از سوی پایگاه خبری تحلیلی زیست بوم، - تقدیر به عنوان عضو فعال انجمن سبز چیا مریوان جهت حضور در اطفا ی حریق ارتفاعات چله و سرکش گیلان غرب در تابستان ۹۴،
- تقدیر به عنوان فعال محیط زیست و به نمایندگی از انجمن سبز چیا از طرف انجمن های محیط زیست کرمانشاه در خرداد ماه ۹۶ اشاره نمود.

از دیگر فعالیت های مرتبط با محیط زیست آمانج قربانی می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- عضو کمیته اجرایی همایش بیوتکنولوژی - تهران ۱۳۹۲،
- عضو کمیته اجرایی نخستین نشست بین المللی اخلاق محیط زیستی - تهران ۱۳۹۳.

نمی دونم شما کجای دنیا زندگی می کنید ولی من جایی زندگی می کنم که فقیر در حسرت ثروت، پولدار به دنبال آرامش، کودک در پی آزادی بزرگ تر، بزرگ تر در آرزوی بازگشت به کودکی، پیر در حسرت قدرت جوانی، جوان در پی تجربه سالمند، بیکار به دنبال کار، کار دار در آرزوی بازنشستگی، باسواد بیکار، بی سواد کارزار، آنان که مانده اند دوست دارند بروند، آنان که رفته اند در حسرت بازگشت هستند. بی گمان یا بین ما پل ارتباطی مناسبی وجود ندارد یا اگر وجود دارد جانمایی درستی ندارد. این قضیه جانمایی شده بلای جان ما، جانمایی نادرست سد، جانمایی نادرست جاده، جانمایی نادرست پل، جانمایی نادرست پالایشگاه، جانمایی نادرست نیروگاه، جانمایی نادرست پایگاه و هزاران جانمایی نادرست دیگر.

جانمایی نادرست از سد، معدن نمک می سازد - از تالاب، معدن گردوخاک - از دریاچه کویر و از جاده قتلگاه می سازد.

- دبیر انجمن فرهنگی دانشجویی دانشگاه محیط زیست به مدت ۲ سال،
- عضو کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی دانشگاه محیط زیست،
- عضو انجمن علمی دانشگاه محیط زیست،
- عضو هیئت تحریریه نشریه دانشجویی ترنم باران،
- همکار رسانه ای پایگاه خبری تحلیلی زیست بوم،
- مدیر برگزاری مراسمات و مناسبت های ملی در دانشگاه محیط زیست،
- مدیر برگزاری نخستین یادواره شهدای حلیچه،
- مدیر وبلاگ حامیان حیات و محیط زیست (com.blogfa.pjji) از سال ۸۸،
- سرپرست واحد ایمی نی بهداشت و محیط زیست مسکن مهر کرج و هشتگرد در سال ۸۹،
- سرپرست واحد ایمی نی بهداشت و محیط زیست شرکت آیادانا سرام فروزین،
- همکاری با اداره محیط زیست شهرستان کامیاران و انجام مطالعات میدانی و کتابخانه ای جهت مدیریت مواد زائد شهرستان و ارائه به صورت پایان نامه،
- عضو سازمان نظام مهندسی و منابع طبیعی و کشاورزی استان کرمانشاه.

آمانج قربانی همچنین در حوزه محیط زیست چندین مقاله علمی در همایش های داخلی و خارجی ارائه نموده که از میان این آثار می توان موارد



جایی که گاز دارد، گاز ندارند ما که آب داریم، آب نداریم. یه جایی در مدت هفت سال نه صد کیلومتر تونل می سازند و یه جایی در مدت هفده سال دو کیلومتر تونل رو تمام نمی کنند. آن ها که رای بیشتری دادند، یار نشدند، آن ها که رای کمتری دادند سوار شدند. شاید این بلیت ماها رو تا اون ایستگاه نمی رساند، یا از ازل ما توی ایستگاه بدی پیاده شدیم.

زیرا اشاره نمود:

- بررسی وضعیت فرسایش پذیری خاک به عنوان یک بحران محیط زیستی (حوزه مورد مطالعه: زاگرس میانی و جنوبی)
- کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و مهندسی استانبول ترکیه - ۱۳۹۵،
- ارزیابی پتانسیل های زمین گردشگری دریاچه پری و تاثیر آن بر توسعه پایدار با استفاده از مدل مهندس نبوی،
- اولین همایش ملی حفاظت و احیای تالاب ها و دریاچه ها با تاکید بر دریاچه زیوار مریوان - ۱۳۹۴،
- تاثیر پدیده گردوغبار بر استان لرستان اولین کنگره بین المللی زمین، فضا و انرژی پاک - ۱۳۹۴ - تحلیلی بر نقش اکو توریسم و تأثیر آن بر توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی: روستای پالنگان - اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار - ۱۳۹۳



اعلامیه های جهانی

فرازی از

اعلامیه جهانی

تنوع فرهنگی یونسکو

با یادآوری تأکید یونسکو در مقدمه اساسنامه آن مبنی بر اینکه "ترویج فرهنگ در سطوح گسترده و آموزش انسان ها در جهت نیل به عدالت و آزادی و صلح در دستیابی به کرامت انسانی دارای اهمیت و از اجزای جدایی ناپذیر آن است و با توجه به اینکه عمل به این مهم وظیفه ای مقدس است که جز در سایه همکاری های متقابل و اهداف مشترک دست یافتنی نیست"

- با اشاره به شرایط بیان شده برای تنوع فرهنگی و عمل به حقوق فرهنگی در اسناد بین المللی وضع شده از سوی یونسکو،
- با تأکید مجدد بر اینکه فرهنگ را باید به عنوان مجموعه ای از ویژگی های متمایز عاطفی، فکری، مادی و معنوی یک جامعه یا یک گروه اجتماعی دانست و همچنین باید توجه داشت که فرهنگ علاوه بر هنر و ادبیات، راه و رسم زندگی، راه و رسم با هم زیستن و باورهای ما را نیز در بر می گیرد،
- نظر به اینکه فرهنگ مایه اصلی مباحثه های مربوط به هویت، انسجام اجتماعی و اساس ایجاد اقتصادی معرفت محور و دانش محور است،
- با تأیید این مطلب که احترام به تنوع فرهنگی، بردباری، گفتگو و همکاری در محیطی از اعتماد متقابل و تفاهم از مهم ترین عناصر تضمین کننده صلح و امنیت بین المللی هستند،

اصول زیر را اعلام و بیانیه حاضر را تصویب می کند:

نه چیر و کم بمکتبر به وه، نه ناوازی بمهوتیه وه، نه نهو دهنگه ی که بمبیس ی، یا نهو شته ی که بمبیس ی، من نازاریکی هاوبه شیم، دهنگی منه و هاواری تو! «نه حمده شاملو»



خانه ی سبز

و... خط افتاده، کافی است مقداری خمیر دندان روی آن بمالید. پس از این کار با پارچه نرمی آن را سیقل دهید. آثار خراشیدگی شیشه از بین رفته و تصویر تلویزیون شما بهتر خواهد شد.

.....



اتوی برقی

برای زدودن رسوب مواد معدنی از داخل اتوی بخار، آن را با مقدار مساوی آب و سرکه سفید پر کنید و بگذارید چند دقیقه بخار کند سپس آن را از برق کشیده تا مدت یک ساعت بماند سرانجام آن را خالی کنید و با آب تمیز آب بکشید. لکه های قهوه ای یا اثر سوختگی در کف اتو را با مالیدن محلول گرم شده سرکه و نمک از بین ببرید. قسمت های خارجی اتوی خود را می توانید به وسیله خمیر دندان یا ماده مخصوص پرداخت نقره، پاک نمایید.

معجزه خمیر دندان!

اگر شیشه تلویزیون شما یا روی میز

هویت، تنوع و تکثرگرایی

- تنوع فرهنگی: میراث مشترک بشریت فرهنگ ها در طول زمان و در مکان های مختلف به اشکال متفاوتی ظهور یافته اند. این تنوع ریشه در یگانگی و تکثر هویت های گروه ها و جوامع انسانی دارد. به عنوان منبعی برای تبادل، نوآوری و خلاقیت، تنوع فرهنگی به همان اندازه برای بشریت مفید است که تنوع زیستی برای طبیعت. به این ترتیب، تنوع فرهنگی میراث مشترک بشری است و باید به نفع نسل های حال و آینده به رسمیت شناخته و تأیید شود.

- از تنوع فرهنگی تا تکثر فرهنگی

تکثر فرهنگی نمودی قانونی از واقعیت تنوع فرهنگی است. تکثر فرهنگی که از ملزومات مردم سالاری است خود سرچشمه تبادل فرهنگی و شکوفایی ظرفیت های خلاق که مایه پایداری زندگی عمومی است نیز می باشد.

- تنوع فرهنگی به عنوان عاملی برای توسعه

تنوع فرهنگی فرصت های پیش روی افراد را گسترش می دهد. تنوع فرهنگی از جمله زیربنای توسعه است. تنوع فرهنگی را نه تنها به عنوان عاملی برای رشد اقتصادی، بلکه به عنوان وسیله ای برای دستیابی به یک زندگی رضایت بخش تر از لحاظ معنوی، اخلاقی، عاطفی و فکری باید در نظر گرفت.

- حقوق بشر به عنوان ضمانتی برای تنوع فرهنگی

دفاع از تنوع فرهنگی یک واجب اخلاقی است. دفاع از تنوع فرهنگی از احترام به کرامت انسانی جداشدنی نیست. دفاع از تنوع فرهنگی بیانگر تعهد به حقوق بشر و آزادی های بنیادین بشر است، به ویژه حقوق اقلیت ها و حقوق مردم بومی.

- حقوق فرهنگی زمینه ساز ظهور و

حفظ تنوع فرهنگی

لازمه شکوفایی تنوع خلاق، اجرای کامل حقوق فرهنگی است که در ماده ۲۷ از اعلامیه جهانی حقوق بشر و در ماده های ۱۳ و ۱۵ از میثاق بین المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به آن اشاره شده است؛ بنابراین، همه افراد حق دارند مقصود و ایده های خود را بیان کنند، به بیانی همه حق دارند خود را ابراز کنند. همه حق دارند کارهایشان را به هر زبانی که مایل اند ارائه و منتشر کنند، به خصوص به زبان مادری خود. همه افراد حق دارند از آموزش کیفی و آموزشی که به هویت فرهنگی آنان تا حد ممکن احترام بگذارد بهره بگیرند. همه افراد حق دارند فرهنگ مورد علاقه خود را در زندگی پیش گیرند، آن ها حق دارند فرهنگ خود و اعمال فرهنگی وابسته به فرهنگشان را اجرا کنند تا جایی که به حقوق و آزادی های بنیادین بشری لطمه ای وارد نکنند.

- به سوی دسترسی همه به تنوع فرهنگی

آزادی بیان، تکثرگرایی در حوزه رسانه ها، چندزبانگی، دسترسی برابر به هنر و به دانش علمی و فنی و دانش دیجیتال و نیز فراهم آوردن امکان دسترسی همه فرهنگ ها به ابزارهایی برای بیان و ابراز خود و برای انتشار دستاوردهای خود، همگی متضمن ظهور و حفظ تنوع فرهنگی است.

- میراث فرهنگی در نقش سرچشمه خلاقیت

خلاقیت؛ ریشه در سنت های فرهنگی دارد، اما در تماس با سایر فرهنگ ها شکوفا می شود. به همین دلیل است که حفاظت از همه اشکال میراث، گسترش آن و تحویل آن به نسل های آینده به عنوان سابقه ای از تجارب انسانی و ابزار بیان آرزوهای او امری بسیار ضروری است.

عکس نوشت

ناگری دارستانه کانی مریوان هه روا بهرده وامه | وینه گر: سمکو ه زیمی |



چک چک دشتی، اگرت کوچک، زریبار | عکاس: جلال پزیشک |



سووتینزانی بنکه ی سه ره کیی ناو هندی فه ژین | وینه گر: کامهران به هرامی |

